



سعید امیرشاه‌کرمی
کارشناس بازار سرمایه

حذف گره معاملاتی بازار سرمایه

تصمیم سازمان بورس و اوراق بهادار برای تنظیم حجم مینا به یک سهم از اول دی‌ماه ۱۴۰۴ و حذف مقررات گره معاملاتی، گامی مهم در جهت افزایش کارایی بازار سرمایه است. این اصلاح ساختاری، که محدودیت قدیمی حجم مینا را عملی‌تر می‌کند، مزایای متعددی برای مکانیسم معاملات و رفتار کلی بازار به همراه دارد و می‌تواند پایه‌ای محکم برای رشد پایدار فراهم کند.

حجم مینا در گذشته مانند یک فیلتر عمل می‌کرد و قیمت پایانی را از بازتاب کامل عرضه و تقاضا دور نگه می‌داشت. با حذف عملی این محدودیت، تغییرات قیمت سهام بر اساس معاملات واقعی تعیین می‌شود و اطلاعات جدید - از گزارش‌های مالی شرکت‌ها گرفته تا اخبار اقتصادی کلان - سریع‌تر در قیمت‌ها منعکس خواهد شد. این امر به‌ویژه در نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز مانند فارس، فولاد مبارکه، ملی مس و شپنا مؤثر است، زیرا وزن بالای آن‌ها در شاخص کل باعث می‌شود حرکت واقعی بازار مستقیماً در شاخص دیده شود. نتیجه، کشف قیمت منصفانه‌تر و کاهش تأخیرهای مصنوعی در واکنش بازار به تحولات است. حجم مینا اغلب باعث ایجاد صف‌های صوری و کاهش نقدشوندگی می‌شد، زیرا معامله‌گران برای تأثیر بر قیمت پایانی مجبور به حجم بالاتر بودند. حالا با آزادی بیشتر، سهام متوسط و کوچک راحت‌تر معامله می‌شوند و فاصله بین قیمت خرید و فروش (اسپرد) کاهش می‌یابد. این تغییر هزینه‌های غیرمستقیم معاملات را پایین می‌آورد و بازار را برای سرمایه‌گذاران حرفه‌ای جذاب‌تر می‌کند. نقدشوندگی بالاتر به معنای ورود و خروج آسان‌تر از موقعیت‌ها است و می‌تواند به جذب نقدینگی جدید از سرمایه‌گذاران نهادی و حتی خارجی کمک کند که خود عاملی برای حمایت از روندهای صعودی پایدار خواهد بود.

یکی از مشکلات اصلی حجم مینا، تقویت رفتار گله‌ای در بازار بود. سرمایه‌گذاران برای عبور از حجم مینا به صف‌نشینی روی می‌آوردند که این امر هیجانات کاذب ایجاد می‌کرد و قیمت‌ها را از واقعیت دور می‌نمود. با این اصلاح، تصمیم‌گیری‌ها بیشتر بر پایه تحلیل فردی و عرضه-تقاضای واقعی خواهد بود. صف‌های خرید و فروش طولانی کمتر تشکیل می‌شوند و بازار به سمت تعادل طبیعی‌تر حرکت می‌کند. این تغییر به کاهش حباب‌های موضعی و اصلاحات غیرضروری کمک می‌کند و در بلندمدت به ثبات بیشتر قیمت‌ها و شاخص کل منجر می‌شود.

بازارهای توسعه‌یافته مانند بورس نیویورک با نزدک فاقد مکانیسم‌هایی مشابه حجم مینا هستند و کشف قیمت را کاملاً به نیروهای بازار واگذار کرده‌اند. این تصمیم بورس تهران را به استانداردهای بین‌المللی نزدیک‌تر می‌کند و سیگنال مثبتی به سرمایه‌گذاران خارجی می‌فرستد. در شرایطی که اقتصاد ایران نیاز به جذب سرمایه خارجی دارد، چنین اصلاحاتی می‌تواند اعتمادسازی کند و زمینه ورود جریان‌های جدید نقدینگی را فراهم آورد؛ که مستقیماً به رشد شاخص کل کمک می‌کند.

در بازار کنونی که شاخص کل بورس تهران سطوح تاریخی بالای ۲/۷ میلیون واحد را تجربه کرده و رکوردشکنی‌های پی‌درپی داشته، این تغییر می‌تواند محرک مثبتی باشد. حرکت واقعی نمادهای بزرگ سریع‌تر در شاخص منعکس می‌شود و هیجانات مثبت راحت‌تر منتقل خواهند شد. در میان‌مدت، انتظار می‌رود شاخص کل با پویایی بیشتر و نوسانات طبیعی‌تر (نه مصنوعی) به رشد خود ادامه دهد، به‌ویژه اگر با تقویت بازارگردان‌ها و نظارت هوشمند همراه باشد.

در مجموع، حذف حجم مینا مزایای ساختاری عمیقی برای بازار سرمایه ایران به همراه دارد: از کشف قیمت بهتر و نقدشوندگی بالاتر گرفته تا کاهش هیجانات کاذب و همگرایی جهانی. این اصلاح نه تنها کارایی معاملات روزانه را افزایش می‌دهد، بلکه پایه‌ای برای حرفه‌ای‌تر شدن بازار و جذب سرمایه پایدار فراهم می‌کند. در بازاری که نیاز به رقابت با کانال‌های موازی دارد، چنین تغییراتی می‌تواند نقطه عطفی برای بازگشت اعتماد و رشد بلندمدت باشد.



بهمن فلاح
کارشناس بازارهای مالی

حذف حجم مینا در بازار سرمایه، تصمیمی است که ذاتاً می‌تواند تصمیمی درست تلقی شود، اما مشروط به اجرای پیش‌نیازهای آن. تجربه بازار سهام نشان داده است که هر تصمیم درست، اگر بدون فراهم‌شدن الزامات اجرایی و در زمان نامناسب اتخاذ شود، به سرعت به تصمیمی غلط و مسئله‌ساز تبدیل خواهد شد؛ تصمیمی که نه تنها کمکی به کارایی بازار نمی‌کند، بلکه می‌تواند خود منشأ بحران‌های جدید باشد.

حذف حجم مینا در بازار بورس و فرابورس، آن هم به صورت یکباره، عجولانه و خلق الساعه، در مقطع فعلی با واقعیت‌های بازار سرمایه ایران همخوانی ندارد. پیش‌نیاز اصلی حذف حجم مینا، بازگشت دامنه نوسان به روند طبیعی و نرمال آن بود؛ دامنه‌ای در محدوده ۵ تا ۶ درصد که حتی در برنامه‌های اعلامی قرار بود به تدریج افزایش یابد. این در حالی است که دامنه نوسان بازار با استناد به شرایط بحرانی و ویژه محدود شده و مسئولان سازمان بورس نیز صراحتاً اعلام کرده‌اند تا زمانی که بازار از شرایط بحرانی خارج نشود، دامنه نوسان به حالت طبیعی خود بازخواهد گشت. از سوی دیگر، بازار سرمایه پس از جنگ ۱۲ روزه، بار دیگر نشان داد که بازاری به شدت هیجانی، شکننده و دشوار در کنترل است؛ بازاری که برای جلوگیری از تشدید بحران، نیازمند حمایت مستقیم دولت، تزریق نقدینگی و ابزارهای کنترلی بوده و نتیجه آن تزریق حدود ۶۰ همت نقدینگی به بازار بود. مجموعه این اقدامات خود گواه آن است که بازار سرمایه ایران هنوز به بلوغ، ثبات و حرفه‌ای‌گری نرسیده و همچنان بازاری آماتور و مداخله‌پذیر است. ریشه این وضعیت را باید در مداخلات گسترده و مخرب اقتصادی در دو دهه گذشته جست‌وجو کرد؛ مداخلاتی که سرمایه‌رادر کشور بی‌اعتماد، ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی کرده و اجازه شکل‌گیری یک بازار حرفه‌ای واقعی را نداده است. در چنین شرایطی، تا زمانی که بازار حتی به سطح «نیمه حرفه‌ای» نزدیک نشده، حذف حجم مینا که فلسفه آن تعدیل هیجانات و کمک به کشف قیمت منصفانه است نه اقدامی به موقع است و نه تصمیمی قابل دفاع. در بازارهای پیشرفته و حرفه‌ای حتی در صندوق‌های طلا با دامنه نوسان ۱۰ درصدی که عملاً حجم مینای یک دارند، حذف این ابزار بر بستر بازار کارا، شفاف و عادلانه انجام می‌شود؛ بازاری که در آن عدالت اطلاعاتی وجود دارد و همه فعالان به صورت برابر به اطلاعات اثرگذار دسترسی دارند. حال آنکه بازار سرمایه ایران اساساً بازاری کارا نیست. نه شفافیت اطلاعاتی در صنایع و شرکت‌ها وجود دارد و نه عدالت اطلاعاتی رعایت می‌شود. اطلاعات با اهمیت اغلب ابتدا از کانال‌های غیررسمی، شایعات و فضای مجازی منتشر می‌شود و تا خبری معنادار از طریق سامانه کدال به صورت رسمی در اختیار سهامداران قرار می‌گیرد.

بی‌عدالتی فقط به حوزه اطلاعات محدود نمی‌شود. حتی در زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سامانه‌های معاملاتی بازار نیز عدالت و کارایی وجود ندارد. بخش قابل توجهی از معامله‌گران حرفه‌ای از حقوقی‌ها از طریق کارگزاری‌ها به استیشن‌های معاملاتی دسترسی دارند و می‌توانند سفارش‌های بزرگ و سنگین ثبت کنند، در حالی که سهامداران حقیقی با محدودیت‌های متعدد در سامانه‌های آنلاین مواجه‌اند؛ از محدودیت تعداد سفارش گرفته تا سرعت اجرا. این نابرابری، یکی از بزرگ‌ترین گلوگاه‌های ساختاری بازار سرمایه ایران است. در چنین فضایی که نه



حسنا هادی
کارشناس بازار سرمایه

حذف محدودیت حجم مینا از معاملات سهام در بورس و فرابورس ایران، پس از بیش از دو دهه اجرا را باید یکی از معنادارترین اصلاحات ریزساختاری بازار سرمایه دانست؛ اصلاحی که نه در سطح مقررات معاملاتی، بلکه در عمق منطق قیمت‌گذاری و کشف قیمت مداخله می‌کند. حجم مینا از ابتدا به عنوان ابزاری شبیه‌نظارتی وارد ساختار معاملات شد تا از طریق کُند کردن انتقال نوسان، به طور هم‌زمان نقش ضربه‌گیر رفتاری، کنترل دستکاری قیمت و مهار هیجانات کوتاه‌مدت را ایفا کند. اما این ابزار، در بستر نهادی و رفتاری بازار سرمایه ایران، به تدریج از یک قاعده کنترلی به یک عامل اختلال‌زاد فرآیند تعادل بازار تبدیل شد. از منظر اقتصاد خرد بازارهای مالی، قیمت‌داری باید برآیند لحظه‌ای اطلاعات، ترجیحات و محدودیت‌های طرفین معامله باشد. حجم مینا با ایجاد یک آستانه مصنوعی برای «اعتباربخشی» به قیمت پایانی، این اصل بنیادین را مخدوش کرد و میان قیمت مشاهده‌شده در تابلو و قیمت تعادلی مورد انتظار بازار شکاف ایجاد نمود. در عمل، قیمت نه‌بر اساس شدت و جهت واقعی تقاضا، بلکه بر اساس میزان تحقق یک شرط اداری تغییر می‌کرد؛ موضوعی که به تأخیر در تعدیل قیمت، انباشت فشار معاملاتی و انتقال ناگهانی نوسان در مقاطع بعدی منجر می‌شد. این ناکارایی به‌ویژه در سهام کوچک و متوسط با شدت بیشتری بروز کرد. در این گروه از نمادها، که ذاتاً عمق بازار و گردش معاملات محدودتری دارند، حجم مینا با اعمال نقش یک قفل نقدشوندگی رافیا می‌کرد. نتیجه آن بود که قیمت‌ها در واکنش به اطلاعات جدید با تغییر انتظار، به صورت پیوسته و تدریجی تعدیل نمی‌شدند، بلکه در قالب دوره‌های رکود قیمتی و جهش‌های ناگهانی بروز می‌یافتند. این الگو نه تنها ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش نداد، بلکه با افزایش عدم قطعیت و دشوارتر شدن مدیریت موقعیت، هزینه ریسک را برای سرمایه‌گذار بالا برد. از سوی دیگر،

پنجشنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۴
سال چهارم. شماره ۹۶۰
www.hammihanonline.ir

مهیمن

۱۱

بورس قربانی تصمیمات شتاب زده

عدالت اطلاعاتی وجود دارد، نه عدالت معاملاتی، نه دسترسی برابر به زیرساخت‌ها، و در عین حال دامنه نوسان به بهانه شرایط بحرانی محدود شده است، حذف یکی از ابزارهای کنترلی بازار یعنی حجم مینا، تصمیمی متناقض و پرریسک محسوب می‌شود. هنوز چند ماه از زمانی نگذشته که به دلیل هیجان و نبود نقدشوندگی، برای صدها شرکت اوراق تبعی منتشر شد و سهام بیمه شد؛ اقدامی که خود نشان‌دهنده عمق مشکلات ساختاری بازار است. حال حذف حجم مینا، که یکی از ابزارهای تعدیل هیجان در بازار آماتور است، عملاً ناقض همان منطق کنترلی است که تاکنون به آن استناد می‌شد. اگر واقعاً شرایط بازار نرمال است، اگر بازار در مسیر حرفه‌ای شدن حرکت می‌کند و اگر هدف، افزایش نقدشوندگی و روان‌شدن معاملات است، پیش‌نیاز آن افزایش دامنه نوسان و باز شدن فضای قیمتی است؛ حتی تا سطوحی مانند ۱۰ درصد. در غیر این صورت، حذف حجم مینا پیش از اصلاح دامنه نوسان، تصمیمی متناقض است که به طور طبیعی به تصمیمی غلط تبدیل می‌شود و بار روانی منفی سنگینی بر ذهن سهامداران و فعالان بازار تحمیل می‌کند.

این بار روانی شاید بلافاصله در سطح عمومی بازار نمود پیدا نکند، اما به طور قطع فرضیه‌های منفی متعددی در ذهن فعالان بازار شکل خواهد گرفت. تجربه سال ۱۳۹۹ نشان داد که مهندسی بازار و تصمیمات خلق الساعه چگونه به شکل‌گیری فرضیه‌های مخرب انجامید؛ فرضیه‌هایی که در نهایت به واقعیت تبدیل شد و آن حباب بزرگ و فروپاشی اعتماد، بازار سرمایه را بیش از پنج سال از مسیر طبیعی خود خارج کرد. در شرایط فعلی نیز تمامی نشانه‌ها حاکی از آن است که پیش‌نیازهای حذف حجم مینا فراهم نشده و این تصمیم، تصمیمی نادرست است که می‌تواند به گروه بزرگی از سهامداران، به‌ویژه حقیقی‌ها، آسیب وارد کند؛ آن هم در بازاری که نابرابری و بی‌عدالتی در آن کاملاً مشهود است. انتظار حداقلی آن است که این تصمیم به تعویق بیفتد و ابتدا دامنه نوسان به صورت اصولی افزایش یابد و سپس، به تدریج، بستر حذف حجم مینا فراهم شود. مدیریت فعلی بازار، بدون تقویم مشخص، بدون اطلاع‌رسانی قبلی و بدون شفافیت، قابل دفاع نیست. نمی‌توان از استانداردهای بازار و افزایش دامنه نوسان سخن گفت و هم‌زمان، به صورت ناگهانی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای کنترلی بازار را حذف کرد. این گونه تصمیمات آنی وی بی‌برنامه، نه در راستای رشد بازار است و نه در جهت حمایت پایدار از سرمایه‌گذاران. بازار سرمایه پیش از هر چیز نیازمند کارایی، شفافیت، کاهش انحصار در صنعت کارگزاری، اصلاح سامانه‌های معاملاتی، کاهش کارمزدهای ناعادلانه و از همه مهم‌تر، بر خودداری از یک تقویم اقتصادی و مالی مدون و قابل پیش‌بینی است. سهامداران باید بدانند چه عرضه‌هایی در پیش است، چه ابزارهایی وارد بازار می‌شود و چه تغییراتی در مقررات رخ خواهد داد؛ نه اینکه همه چیز بر اساس شایعه، شنیده‌ها و اعلام‌های لحظه‌ای پیش برود. از همین تریبون، این هشدار و اخطار به سازمان بورس و متولیان اقتصادی داده می‌شود که مبادا بار دیگر، به بهانه کسری بودجه یا شرایط خاص، بازار سرمایه قربانی تصمیمات شتاب‌زده شود. حذف حجم مینا بدون اجرای پیش‌نیازهای آن، می‌تواند بار دیگر سناریوی تلخ سال ۱۳۹۹ را تکرار کند؛ سناریویی که نتیجه آن چیزی جز از بین رفتن اعتماد و اعتبار بازار سرمایه نخواهد بود. این تصمیمات متعارض و مداخلات خلق الساعه، نه تنها به رشد اعتماد منجر نمی‌شود، بلکه زمینه‌ساز شکل‌گیری فرضیه‌های منفی، تشدید بی‌اعتمادی و در نهایت، یک تراژدی دیگر در بازار سرمایه خواهد شد؛ هشداری که باید جدی گرفته شود، پیش از آنکه هزینه‌های آن بار دیگر بر دوش سهامداران و اعتبار بورس باقی بماند.

حذف حجم مینا کافی نیست

هم‌زیستی حجم مینا با دامنه نوسان ایستا، یک ساختار دوگانه محدودکننده ایجاد کرد که نتیجه آن تقویت رفتارهای غیرقابلانی، شکل‌گیری صف‌های پایدار و تضعیف نقش بازارگردان‌ها در تعدیل عرضه و تقاضا بود. در چنین ساختاری، معامله‌گر به جای تحلیل ارزش و زمان‌بندی ورود و خروج، به پیش‌بینی رفتار مقرراتی بازار و واکنش جمعی فعالان نسبت به محدودیت‌ها سوق داده می‌شد؛ پدیده‌ای که از منظر اقتصاد رفتاری، به تشدید رفتار گله‌ای و کاهش کیفیت تصمیم‌گیری منجر می‌شود. حذف حجم مینا و تعیین آن معادل یک سهم، به معنای کنار گذاشتن یک فیلتر غیرقیمتی در فرآیند کشف قیمت و بازگرداندن نقش محوری به مکانیزم بازار است. در این چارچوب جدید، هر معامله حتی با حجم اندک و زن وزن اطلاعاتی کامل در قیمت پایانی خواهد بود و بازار ناگزیر می‌شود اطلاعات را سریع‌تر و با اصطکاک کمتر جذب کند. این تغییر، به طور خاص، برای نمادهایی که در سال‌های اخیر به دلیل قفل معاملاتی و بی‌حرکی قیمتی از کانون توجه سرمایه‌گذاران خارج شده بودند، می‌تواند به احیای جریان معاملات و بهبود عمق بازار منجر شود. با این حال، از منظر سیاست‌گذاری، حذف حجم مینا را نباید به عنوان یک اقدام مستقل و کافی تلقی کرد. این تصمیم عملاً مسئولیت بیشتری بر دوش سایر ارکان ریزساختار بازار می‌گذارد. در بازاری که دامنه نوسان همچنان به صورت ایستا اعمال می‌شود و ساعات معاملات محدود است، آزادسازی یک متغیر به تنهایی نمی‌تواند به کشف قیمت کارا در تمام شرایط منجر شود. بلکه خطر آن وجود دارد که نوسان‌های سرکوب‌شده پیشین، در قالب شوک‌های مقطعی و رفتارهای هیجانی بروز پیدا کنند؛ مگر آنکه اصلاحات مکمل، به‌ویژه حرکت به سمت دامنه نوسان پویا، تقویت بازارگردانی حرفه‌ای و توسعه ابزارهای پوشش ریسک، هم‌زمان دنبال شود. در مجموع، حذف حجم مینا را باید نشانه‌ای از تغییر تدریجی نگاه نهاد ناظر از «کنترل ظاهری نوسان» به «پذیرش نوسان به عنوان جزء لاینفک بازار» دانست. این تصمیم، اگرچه در اتخاذ شده، اما می‌تواند نقطه شروعی برای بازتعریف نقش مقررات در بازار سرمایه باشد؛ بازتعریفی که در آن، وظیفه ناظر نه مهندسی قیمت، بلکه تضمین شفافیت، قابلیت سلامت سازوکار کشف قیمت است. تنها در چنین چارچوبی است که بازار سهام می‌تواند از یک فضای مقررانه و پیش‌بینی‌پذیر ظاهری، به یک بازار زنده، عمیق و قابل اتکا برای تأمین مالی و سرمایه‌گذاری بلندمدت تبدیل شود.

نگاه مدیر

زنان و طلا؛ داستان یک نقش آفرینی قدرتمند



مصطفی اکرمی
مدیرعامل میلی

در سال‌هایی که فشار اقتصادی، پس‌انداز را برای بسیاری از خانواده‌ها به یک دغدغه دائمی تبدیل کرده، طلا همچنان قابل اعتمادترین مأمن مالی برای طبقات مختلف جامعه باقی مانده است. اما تناقضی بزرگ شکل گرفته بود: درست در زمانی که مردم بیش از همیشه به ابزارهای امن سرمایه‌گذاری نیاز داشتند، مسیر ورود به بازار طلا برای بخش بزرگی از جامعه دشوار، پرهزینه و در مواردی حتی ناممکن شده بود. همین واقعیت، زمانی که ایده ابتدایی «میلی» شکل گرفت، نقطه شروع یک هدف روشن شد: باز کردن درهای بازار طلا به روی تمام اقشار، نه فقط آنها که توان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ یا دسترسی به کانال‌های حرفه‌ای داشتند. بازار سنتی طلا، به‌ویژه برای طبقات کم‌درآمد، همیشه با موانع جدی همراه بوده است. حداقل مبلغ‌های بالا، کارمزدهای متعدد، عدم اطمینان در لحظه خرید و فروش و نبود شفافیت قابل اتکا در قیمت‌گذاری، باعث می‌شد طلا که باید ابزار آراش مالی باشد - عملاً به یک دارایی دور از دسترس تبدیل شود. آنچه ما در میلی دنبال کردیم، شکستن همین چرخه بود. فراهم کردن امکان خریدهای خرد، ایجاد استاندارد در قیمت‌گذاری و ساده کردن فرآیند معامله، به بخش بزرگی از خانواده‌ها اجازه داد بدون نیاز به سرمایه‌های بالا وارد بازاری شوند که پیش از این برایشان بسته بود. تغییر مهم‌تر اما در یک لایه اجتماعی‌تر اتفاق افتاد؛ جایی که زنان، به عنوان یکی از گروه‌هایی که همواره در مدیریت مالی خانواده نقش برجسته‌ای داشته‌اند اما در بازارهای رسمی کمتر فرصت نقش‌آفرینی مستقیم پیدا می‌کردند، توانستند حضور پررنگ‌تری پیدا کنند. تجربه نشان داده بسیاری از زنان، به‌ویژه در طبقات متوسط و کم‌درآمد، مسئولیت اصلی پس‌انداز خانوار را بر عهده دارند، اما نبود ابزارهای ساده و امن، این نقش را محدود می‌کرد. امروز حضور گسترده زنان در پلتفرم‌های خرید طلای امن نشان می‌دهد اگر بستر مناسب فراهم باشد، یکی از پایدارترین و مسئولانه‌ترین بازیگران بازار همین گروه است. در طول مسیر توسعه میلی، بارها مشاهده شد که زنان با مبالغ کوچک اما پیوسته، یک سبب دارایی ایجاد کردند که برایشان حکم «پشتوانه شخصی» داشت؛ پشتوانه‌ای که قرار بود به آن وابسته باشند، نه اینکه فقط در ویرتین باقی بماند. این واقعیت به ما یادآوری کرد که بازار طلا، اگر درست طراحی شود، می‌تواند ابزار توانمندسازی اقتصادی باشد؛ نه کالایی لوکس و نه ابزاری برای سفته‌بازی. بازار آنلاین طلا، برخلاف تصور برخی، تنها یک نوآوری فناوری نیست؛ تغییر در عدالت مالی است. امکان خریدهای خرد باعث می‌شود طبقات پایین‌تر نیز مانند طبقات ثروتمند، فرصت محافظت از دارایی و برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند. وقتی شفافیت قیمت، حذف هزینه‌های انبوه امکان معامله لحظه‌ای در اختیار همه قرار گیرد، تفاوت قدرت اقتصادی میان گروه‌ها کاهش می‌یابد. این همان جایی است که یک ابزار مالی، به ابزاری اجتماعی تبدیل می‌شود. اگر امروز هزاران کاربر با درآمد محدود قادرند به جای نگه‌داشتن دارایی در حساب‌های غیرمولد یا پول نقدی که ارزشش هر روز کاهش می‌یابد، به صورت روزانه یا هفتگی طلا بخرند، معنایش این است که مسیر برابرتری در دسترسی به ابزارهای مالی آغاز شده است. این اتفاق کوچک نیست. هر بار که یک خانواده با ۲۰۰ هزار تومان، ۵۰۰ هزار تومان یا یک مبلغ جزئی دیگر بخشی از پس‌انداز خود را به طلای امن تبدیل می‌کند، در واقع شکاف تاریخی میان «آنهايي که می‌توانستند سرمایه‌گذاری کنند» و «آنهايي که نمی‌توانستند» کمی کوچک‌تر می‌شود. در کنار این تحول، رشد حضور زنان در بازار شفاف طلا فقط یک شاخص نیست؛ یک پیام مهم برای سیاست‌گذاری است. اگر در طراحی بازارها، ابزارهای ساده، امن و کم‌هزینه فراهم شود، زنان نه تنها مصرف‌کننده نهایی نیستند بلکه تصمیم‌گیران مالی توانمند و بازیگران اصلی امنیت اقتصادی خانواده‌ها خواهند بودند. حمایت از این جریان، به‌ویژه از سوی نهادهای نظارتی و سیاست‌گذار، می‌تواند یکی از مؤثرترین مسیرها برای تقویت استقلال مالی زنان در جامعه باشد. بازار طلا آینده‌ای دیجیتال و شفاف دارد؛ اما این آینده تنها وقتی به نفع جامعه خواهد بود که ورود به آن برای همه ممکن باشد. آنچه ما در میلی دنبال می‌کنیم، فقط توسعه یک پلتفرم نیست؛ تلاش برای ساختن بازاری عادلانه‌تر است؛ بازاری که در آن سرمایه‌گذاری امتیاز طبقه‌ای خاص نباشد و زنان، خانواده‌ها و گروه‌های کم‌درآمد بتوانند همان اندازه که طبقات مرفه، از ثبات و امنیت مالی بهره‌مند می‌شوند.

مسیر ما روشن است: تبدیل طلا از یک کالای سخت‌دسترس به یک ابزار مالی روزمره، امن و عمومی. آنچه امروز به‌دستی آغاز شده، اگر با همراهی سیاست‌گذاران و نهادهای ناظر ادامه یابد، می‌تواند بخشی از بار سنگین نااطمینانی اقتصادی را از دوش خانواده‌ها بردارد و نقش‌آفرینی اقتصادی زنان را از یک امکان محدود به یک جریان پایدار تبدیل کند.